

جامعه‌شناسی صوری زیمل

حامد بخشی

دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده:

در این مقاله ابتدا جامعه از منظر زیمل به عنوان کلیت تعامل های میان افراد معرفی می شود و با تعریف ۳ رویکرد وی به جامعه شناسی، موضوع مورد نظر رویکرد جامعه شناسی صوری، یعنی مطالعه صور جامعه پذیری تشریح می گردد. پس از آن با تعریف صورت و محتوا به انواع تقسیم بندیها و طبقه بندیها از صور اجتماعی زیمل از نظر جامعه‌شناسان مختلف پرداخته، متغیرهای کلیدی زیمل در تحلیل صور اجتماعی معرفی می گردد. در انتها با بیان تمایز میان ساخت و صورت، اشاره مختصری به تداوم کار زیمل در مکتب تعامل گرایی نمادین می شود.

جامعه‌شناسان کلاسیک قرن نوزده هر یک شیوه ای متمایز و رویکردی خاص به جامعه و علم جامعه شناسی داشته اند. نگرش پوزیتیویستی دورکیم، رویکرد تفهیمی ماکس وبر، درک دیالکتیک مارکس و چشم انداز صورت گرای زیمل، هر یک منجر به پارادایم های خاصی در حوزه جامعه شناسی می شوند که در مکاتب جامعه شناختی قرن بیست مشهود است.

زیمل از زمره جامعه‌شناسانی است که با اقبالی کمتر از دیگر جامعه‌شناسان معاصرش در اروپا مواجه شد؛ هر چند بیش از آنان در جامعه شناسی آمریکا به ویژه مکتب شیکاگو مورد توجه قرار گرفت؛ چنانچه پیشگامان جامعه شناسی آمریکایی نظیر پارک حامل میراث علمی زیمل به جامعه شناسی این کشور بوده اند (ریترز، جورج، ۱۳۷۷: ۷۰). با این وجود تکرر و تنوع مطالب و موضوعات مورد علاقه زیمل باعث گردیده تا نسبت دادن سبک و شیوه ای معین در مطالعه جامعه شناسی به او دشوار باشد و حتی وی را سنت گریز تلقی کنند.

زیمل سه رویکرد به جامعه شناسی را معرفی می کند:

۱- **جامعه‌شناسی صوری** که به سطح خرد تعلق دارد و به ترکیب متغیرهای روانی با صورت‌های تعامل که با انواع (types) افراد درگیر در تعامل سر و کار دارد؛ نظیر فرمانبری، مبادله، تضاد، و رقابت، خست، ولخرجی، غریبه و

۲- **جامعه‌شناسی عمومی** که به سطح میانی تعلق دارد و به محصولات فرهنگی اجتماعی تاریخ انسان می‌پردازد. در این رویکرد توجه به امور وسیع‌تر نظیر گروه، ساختار، تاریخ جوامع و فرهنگها صورت می‌گیرد.

۳- **جامعه‌شناسی فلسفی** که به سطح کلان تعلق دارد و موضوع آن سرشت و طبیعت نوع بشری است. (ریتزر، جورج، ۱۳۷۳: ۱۴۷)

در این میان آنچه بیشتر در آثار زیمل نمود و ظهور دارد و به عبارتی لب و محور جامعه‌شناسی اوست، جامعه‌شناسی صوری یا محض است. زیمل جامعه را کلیت حاصله از تعامل‌های الگوداری می‌داند که افراد به هنگام پیوند با یکدیگر به منظور دست‌یابی به هدف‌های گوناگون می‌آفرینند (لوین، دونالد ان، ۱۳۸۱: ۸۴). از این رو در عین حالی که جامعه را سنتزی از تعامل‌های افراد با یکدیگر می‌داند که به نوعی دارای وجودی عینی است (زیمل، جورج، ۱۸۹۶: ۲۳۳ به نقل از فریزی، دیوید، ۱۳۷۴: ۷۸) لیکن جوهر چنین جامعه‌ای را قابل درک نمی‌داند (فریزی، دیوید، ۱۳۷۴: ۷۵) و لذا اینچنین عینی موضوع مناسبی برای جامعه‌شناسی نخواهد بود. از این رو وی در گام اول تعامل میان افراد جامعه را به عنوان موضوع جامعه‌شناسی بر می‌گزیند، منتها چنانچه جامعه‌شناسی بخواهد موضوع خود را همه تعامل‌های درون جامعه و به عبارتی همه آنچه در جامعه به وقوع می‌پیوندد (فریزی، دیوید، ۱۳۷۴: ۷۵) قرار دهد، آنگاه جامعه‌شناسی در برگیرنده چندین رشته علوم اجتماعی نظیر علوم سیاسی، آموزش و پرورش و اقتصاد می‌شود (لوین، دونالد ان، ۱۳۸۱: ۸۴). بنابراین در گام دوم به منظور تعیین حیطه‌ای مستقل برای موضوع جامعه‌شناسی، او به جای تعریف جامعه‌شناسی بر حسب محتواهای زندگی اجتماعی، بر مبنای تجرید صورتهای جامعه، شکل‌های جامعه‌پذیری و تعامل میان افراد را موضوع واقعی جامعه‌شناسی در نظر گرفت (فریزی، دیوید، ۱۳۷۴: ۷۵). این تمایز میان صورت و محتوا، حاکی از تاثیر سنت کانت در فلسفه است که بر تفاوت میان صورت و محتوا تکیه دارد (ریتزر، جورج، ۱۳۷۳: ۱۵۵). از نظر بودون منظور از طرح جامعه‌شناسی صوری عبارت است از «تحلیل ساختارها در تراز کلان به شیوه اقتصاد دانان، به عنوان یکپارچه‌شدگی آثار» (بودون، ریمون، ۱۳۸۳: ۲۱۱)

در واقع او به تناظر علم هندسه که با انتزاع شکل و صور اشیای مادی از محتوای تشکیل‌دهنده آن تعریف می‌شود، علم جامعه‌شناسی را مطالعه جامعه به لحاظ صور جامعه‌پذیری (sociation) تعریف

می‌نماید (Turner, Jonathan H. 1998: 202, Ashley, David et all. 1998:326) و تا بدانجا پیش می‌رود که می‌گوید: «اگر ما می‌توانستیم کلیت شکل‌های ممکن مناسبات اجتماعی را در سلسله مراتب و گوناگونی شان نشان دهیم، می‌توانستیم دانش جامعه فی‌نفسه را تکمیل کنیم (زیمل، جورج به نقل از فریزی، دیوید، ۱۳۷۴: ۸۱).

بودون معتقد است جامعه‌شناسی صوری زیمل از نوع الگوهای کلان اقتصادی است که معلول تعدیل و تعادل میان آثار کنش‌های فردی است. از نظر او ایده زیمل این است که «شرایط و موقعیت‌هایی داریم که در آنها منافع و گزینش‌های افراد را به آسانی می‌توان بازسازی کرد» (بودون، ریمون، ۱۳۸۳: ۱۷۸) بدون اینکه نیاز به دانستن وضعیت‌های و محتواهای خاص کنش باشد.

منظور از محتوای جامعه‌شناسی آن جنبه‌هایی از زندگی انسانی است که افراد را به سمت معاشرت با دیگران می‌کشاند؛ نظیر: سوانق، اهداف و نیت کنشگران (کرایب، یان، ۱۳۸۲: ۱۱۴). در مقابل صورت‌ها آن الگوهایی هستند که محتویات اجتماعی در قالب آنها نمود و بروز می‌یابند.

فهرست قابل‌توجهی از صور گوناگون و متنوع اجتماعی که او در مقالات خود بدان‌ها پرداخته است وجود دارد؛ نظیر: غریبه، ولخرج، خسیس، رابطه فرمان‌دهی و فرمان‌بری، تضاد و رقابت. لوین این صور را به ۴ دسته کلی تقسیم می‌کند:

۱- روابط یا فرآیندهای تعامل، مانند رابطه فرمانبری و فرماندهی و یا فرایند تضاد

۲- نقش-موقعیت‌ها، مانند غریبه، ولخرج، خسیس و فقیر

۳- جمعیت‌ها، نظیر اجتماع سری

۴- الگوهای توسعه‌ای، همچون انکشاف گروهی و توسعه فردیت (لوین، دونالد ان، ۱۳۸۱: ۸۶).

ترنر تقسیم‌بندی عام‌تری ارائه می‌دهد که شامل فرآیندهای اجتماعی عام (نظیر تضاد و مبادله) و روابط نقش‌ساخت یافته (مانند غریبه) است (Turner, Jonathan H. 1998: 204). از سوی دیگر کرایب به طور کلی صورت‌ها را به چهار طبقه کلی تقسیم نموده است؛ خردترین سطح انتزاعی به شکل‌هایی می‌انجامد که مربوط به روابط اجتماعی افراد با یکدیگر است و کلان‌ترین سطح انتزاع، جامعه به عنوان یک شکل کلی است. در این میان دو سطح دیگر وجود دارد که یکی از آنها اشکال نهادهای قابل‌رؤیت و هدفمند اجتماعی نظیر دولت، اتحادیه‌های تجاری و کلیسا است و دیگری صوری هستند که به عنوان یک صورت بسط و توسعه می‌یابند، مانند رقابت و تضاد (کرایب، یان، ۱۳۸۲: ۱۱۴). البته آنچه به عنوان صورت در جامعه‌شناسی صوری

زیمیل مطرح است مربوط به خردترین سطح روابط اجتماعی و صور توسعه یافته هستند و نهادهای اجتماعی و جامعه به عنوان یک صورت کلی مطرح نیستند.

در نهایت می توان به متغیرهای تحلیلی مهم به کار رفته در ساخت صور اجتماعی اشاره کرد. مهمترین این متغیرها، اعداد و فاصله می باشند. توجه زیمیل در تاثیر تعداد افراد بر کیفیت تعامل در بحث تفاوت میان گروه های دو نفره و سه نفره عنوان شده است و نقش فاصله بیشتر در تحلیل روابط و نقش های اجتماعی نمایانگر است. چنانچه غریبه نمونه صورتی اجتماعی است که نه آنچنان به گروه نزدیک است که خودی به حساب آید و نه آنقدر دور که عضو گروه به حساب نیاید (ریتزر، جورج، ۱۳۷۳: ۱۵۶). لوین به این دو چهار متغیر موقعیت، ظرفیت، خود درگیری و تقارن را می افزاید. موقعیت به تفاوت های عمودی اجتماعی اشاره دارد؛ منظور از ظرفیت، احساسات منفی و مثبت دخیل در صور تعامل است؛ خود درگیری به میزان درگیری شخصی بی اشاره دارد که صور مختلف همبستگی طلب می کنند و تقارن جوهره صور خاصی را که رابطه متقابل کامل را بیان می کنند، مشخص می نماید (لوین، دونالد ان، ۱۳۸۱: ۸۷).

مساله دیگری که می توان بدان اشاره کرد رابطه صورت و ساختار است. در حالیکه صورت از تجرید محتواهای اجتماعی نمود یافته حاصل می شود، ساختار از رابطه نسبتاً پایدار میان اجزای جامعه انتزاع می گردد. به عقیده هیبرل مفهوم شکل برای زیمیل همان معنا را متبادر به ذهن می کند که مفهوم ساخت برای ساخت گرایان (ابوالحسن تنهایی، حسین، ۱۳۷۷: ۳۲۶). در ساختارگرایی، منظور از ساختار یا روابط پایدار میان نهادهای اجتماعی است که بیان گر ساختار کلانی است که کلیت روابط اجتماعی بر اساس آن تنظیم شده اند (نظیر نظام های اجتماعی پارسنز یا آلتوسر) و یا به ساختارهای ذهن بشر اشاره می شود که نهادهای اجتماعی بر اساس این ساختارهای ذهنی که در تمامی انسانها مشترک هستند شکل می یابند. لیکن در صورت گرایی به انواع نموده های روابط، فرآیندها یا نقش های اجتماعی توجه می شود که قابل مشاهده در تک تک روابط هستند. نظام های اجتماعی، اقتصادی یا سیاسی را نمی توان مستقیماً مشاهده کرد، بلکه تنها قابل انتزاع از روابط میان اجزاء اجتماعی هستند؛ ولی رقابت، تضاد و نقش - موقعیت ولگرد یا غریبه را می توان در اشخاص و روابط روزمره دید و صرفاً بایستی این ویژگیهای مشترک را از مشاهدات روزمره تفکیک نمود. به علاوه در حالیکه ساختارگرایی به جامعه شناسی کلان تعلق دارد، صورت گرایی متعلق به جامعه شناسی خرد می باشد.

جامعه شناسی صوری زیمیل، با وجود تغییر واژگان آن تداوم یافته است و شاید بتوان نمودارترین این تداوم را در مکتب تعامل نمادین و به ویژه در کار اروین گافمن دید. «متصدی پمپ بنزین» که عنوان رساله کارشناسی ارشد گافمن را تشکیل می دهد و حتی نظریه دراماتورژیک او، همگی نمونه هایی از انتزاع صور اجتماعی از

محتوای متکثر آن می باشد. در این نظریه ما شاهد آن هستیم که موقعیت های اجتماعی جلوی صحنه، پشت صحنه و خارج از صحنه تعیین کننده شیوه های متمایزی از رفتار در افراد با نیت ها و مقاصد متفاوت هستند. از این رو می بینیم که فهم عمیق مکاتب نوین جامعه شناسی در گرو ریشه یابی آن در آثار جامعه شناسان کلاسیک و فهم صحیح آن می باشد.

مراجع:

- ۱- ابوالحسن تنهایی، حسین، ۱۳۷۷، درآمدی بر مکاتب و نظریه های جامعه شناسی، گناباد، نشر مرندیز
- ۲- بودن، ریمون، ۱۳۸۳، مطالعاتی در آثار جامعه شناسان کلاسیک ۱، ترجمه: باقر پرهام، تهران، نشر مرکز
- ۳- ریتزر، جورج، ۱۳۷۳، نظریه های جامعه شناسی، ترجمه: احمد رضا غروی زاد، تهران، ماجد
- ۴- ریتزر، جورج، ۱۳۷۷، نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی
- ۵- فریزی، دیوید و سهیر، درک، ۱۳۷۴، جامعه، ترجمه: احمد تدین و شهین احمدی، تهران، نشر آران
- ۶- کرایب، یان، ۱۳۸۲، نظریه اجتماعی کلاسیک، ترجمه: شهناز مسمی پرست، تهران، نشر آگه
- ۷- لوین، دونالد ان، آینده بنیانگذاران جامعه شناسی، ترجمه: غلامعباس توسلی، تهران، نشر قومس
8. G.simmel, zur methodic der sozialwissenschaften, Jahrbuch fur Gesetzgebung, verwaltung und volkswirtschaft, 2., 1896
9. Ashley, David Mechael Orenstein, David, 1998, Sociological Theory, allyn & bacon
10. Turner, Jonathan H. et all, 1998, The Emergence of Sociological Theory, wadsworth